

تحلیل برنامه درسی در مدارس دوره ابتدایی عشایری: تهدیدها و فرصتها

احد عظیمی آقبلاغ^۱ ● دکتر داود طهماسبزاده شیخلار^۲ ● دکتر فیروز محمودی^۳ ● دکتر کیومرث تقی پور^۴

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، واکاوی کیفی برنامه درسی در مدارس دوره ابتدایی عشایری، از منظر تهدیدها و فرصتها بوده است. روش پژوهش، روش تحلیل محتوای کیفی عرفی است. جامعه پژوهشی، شامل کل متون و اسناد مرتبط با آموزش و برنامه درسی مدارس دوره ابتدایی مناطق عشایری بود که از میان آنها تعداد ۲۰ مقاله، پایان نامه و اسناد بالادستی، با استفاده از شیوه نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده ها به صورت دستی و با استفاده از تحلیل ارتباطی انجام شد. برای اعتبار بخشی به داده ها از روشهای بازنگری ناظران، بازنگری مشارکت کنندگان، اختصاص دادن زمان کافی برای گردآوری داده ها و درگیری مداوم و مثلث سازی محقق استفاده شد. یافته ها در بخش تهدیدها شامل مقوله های اصلی «تحصیل در جامعه عشایری» و «فرهنگ جامعه عشایری» و در بخش فرصتها، «فرصتهای زیست بوم عشایری» و «فرصتهای الزامات قوانین بالادستی» و چندین مقوله فرعی بود که به همراه رموزها و واحدهای معنایی مربوطه استخراج شدند. نتایج نشان داد که می توان با کاربست راهکارهای معرفی شده در پژوهش، تهدیدهای موجود در برنامه درسی مدارس عشایری را به فرصت تبدیل کرد. هر چند در بخش فرصتها، قوانین بالادستی به خوبی نگاشته شده، ولی عملیاتی نشده است و به نظر می رسد تا برآورده کردن عدالت آموزشی در برنامه درسی عشایری فاصله زیادی دارند.

کلید واژگان: برنامه درسی، تحلیل محتوای کیفی، تهدیدها، فرصتها، مدارس ابتدایی عشایری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.

۱. دانش آموخته دوره دکتری برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
۲. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول). Email: d.tahmaseb@tabrizu.ac.ir
۳. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
۴. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

مقدمه

آموزش راهی برای بهبود کیفیت زندگی و افزایش فرصت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. ثبات و صلح را ترویج می‌کند، فقر را کاهش می‌دهد، سبب رشد پایدار و سلامتی بیشتر، به‌ویژه در زنان و کودکان می‌شود (بروسارد^۱، ۲۰۲۱). مدارس نیز در همه کشورهای جهان با هدف آموزش، در پی فراهم کردن فرصت‌های آموزشی برای شهروندان و ادغام آنها در جوامع خود هستند. همچنین دانش‌آموزان را آماده می‌کنند تا شهروندان مفیدی باشند و بتوانند سهم خود را در توسعه جوامع و خانواده‌ها ادا کنند. بر اساس این اعتقاد، همه دانش‌آموزان، از همه گروه‌ها و زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید به آموزش و پرورشی با کیفیت دسترسی داشته باشند (شگری^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). در جهان، گروه‌های بومی گوناگونی وجود دارند. هر گروه بومی، فرهنگی منحصر به فرد دارد که طی سالیان متمادی ایجاد شده است (ژیرکووا^۳، ۲۰۰۶). یکی از آنها، جوامع عشایری^۴ است. جوامع عشایری از جمله خرده‌فرهنگ‌هایی‌اند که ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خاص خود را دارند. عشایر برای تأمین مایحتاج زندگی، به دام وابسته‌اند، از این رو در توسعه ملی کشورهای خود نیز نقش دارند (علی^۵، ۲۰۱۹). جامعه عشایری ایران یکی از سه جامعه شهری، روستایی و عشایری است که شناخت کامل آن می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه پایدار کشور مؤثر واقع شود (میرشمشیری، ۱۳۹۹). کوچ نشینی در ایران به‌منزله بخشی جدایی‌ناپذیر از بافت اجتماعی و اقتصادی، بیش از ۳۰۰۰ سال رواج داشته است (پاتس^۶، ۲۰۱۴). از نظر توزیع جغرافیایی، نواحی عشایری کشور در شمال غرب، غرب، جنوب و جنوب غربی واقع شده‌اند. خانوارهای عشایر کوچنده کشور ۱/۴ درصد از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند و در حدود ۳۰ درصد از دام سبک کشور را در اختیار دارند (گزارش مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹). در حدود ۶۰ درصد از قلمروهای مرتعی کشور در مناطق مرزی و در مناطق استراتژیک نظامی قرار دارند که می‌شود گفت استقرار عشایر در مناطق مذکور، آنها را به پدافند غیر عامل تبدیل کرده است. عشایر، حاملان ارزش‌ها و میراث فرهنگی ایران هستند. مجموعه متنوع از سنت‌ها، عادات، آیین‌ها، آداب، مناسک و ارزش‌های ملی، دینی، اجتماعی در مناطق عشایری مشاهده می‌شود (اکبری و میزبان، ۱۳۸۳).

فرهنگ‌های قومی که در دل فرهنگ یک ملت قرار دارند، شیوه زندگی تبار خاصی است که وجه متمایز زندگی قوم یا اقوام دیگر شده است (عسکریان، ۱۳۸۵). برونر^۷ (۱۹۹۶) از فرهنگ

1. Brossard
2. Shagari
3. Zhirkova
4. Tribes communities
5. Ali
6. Potts
7. Bruner

به عنوان آیینیه توصیف و تفسیر برنامه درسی یاد کرده و معتقد است که برنامه درسی بازتابی از عقاید فرهنگی، سنتهای عامیانه، ارزشها و سازمانهای اخلاقی، سیاسی و اجتماعی جامعه است (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۱). آموزش رسمی به لحاظ پیوند با فرهنگ اجتماعی به جهت تأثیر در تعیین هدف و تدوین محتوای برنامه درسی نمی تواند جامعه گریز باشد (عسکریان، ۱۳۸۵). برنامه درسی به عنوان عنصر مهم نهاد آموزش و پرورش نمی تواند نسبت به محیط اجتماعی و فرهنگی اطراف خود بی تفاوت عمل کند؛ لذا شناخت مسائل جامعه و به کارگیری آنها در برنامه های درسی، از بدیهی ترین وظایف برنامه ریزان درسی قلمداد می شود (صادقی و نجفی، ۱۳۹۶). در این میان، توجه به برنامه درسی دوره دبستان به دلیل شمول آن و نیاز جوامع عشایری، از اهمیت زیربنایی در همه کشورهای دارای جمعیت عشایری از جمله ایران برخوردار است.

با وجود اهمیت آموزش در دوره ابتدایی، در سراسر جهان، دولتهای گوناگون سیاستهایی را اندیشیده اند تا اطمینان حاصل شود که همه فراگیران کودک به ویژه آنهایی که از جوامع حاشیه نشین اند، آموزش ابتدایی را دریافت کنند (رز و مالکانی^۱، ۲۰۲۱). ارائه آموزش به جوامع عشایری در جهان یکی از چالش برانگیزترین دغدغه های کنونی است که دست اندرکاران و فعالان عرصه آموزش با آن مواجه اند (کیمینزا^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). ریموند^۳ (۲۰۲۱) در پاسخ به چالشهای موجود در ارائه آموزش به جوامع عشایری جهان، عقیده دارد که بسته های آموزشی ابتدایی جایگزین که بتواند با برنامه درسی منعطف، از ارزشهای فرهنگی جامعه قدردانی کند، در اکثر کشورهای دارای جمعیت عشایری پذیرفته نشده است. در ایران هم دانش آموزان عشایر همگام با دانش آموزان کشور ناگزیرند برنامه های درسی رسمی را در طول سال تحصیلی که از اول مهرماه آغاز می گردد و تا پایان خرداد سال بعد تداوم می یابد، دریافت داشته و بیاموزند (صافی، ۱۳۸۴). انجام دو کوچ سالانه عشایر کوچرو در طول سال تحصیلی موجب افت ۳۴ درصدی زمان خالص آموزش ۵۵ روز از ۱۶۰ روز خالص برنامه ریزی شده می گردد (عبدلی، ۱۳۹۴) و مشکلاتی از قبیل نرخ گذار کمتر از ۳۰ درصد در بین مقاطع تحصیلی و آمار قابل توجه انصراف دهندگان از تحصیل در پایه های تحصیلی بالاتر ایجاد می کند (عباسی سروک، ۱۳۸۸). در پژوهش محمودی و همکاران (۱۳۹۹) معلم مدرسه عشایری می گوید: «دانش آموز من قطار را ندیده است و حالا من با تصویرسازی و مکافات مفهوم قطار را به دانش آموز یاد می دهم». این گویه به وضوح معضلات نظام آموزشی متمرکز کتاب - محور را نمایان می سازد. همچنین رحیمی پردنجانی (۱۴۰۰) به این نتیجه رسیده که سند برنامه درسی ملی در مورد مبانی جامعه شناختی کلی گویی کرده است. در ضمن معرفی نکردن برنامه اجرایی خاص برای آموزش عشایر با توجه به ظرفیتهای طبیعی موجود و توجه کمتر سند به برخی مؤلفه های رویکردهای دانش بومی از معایب آن است.

1. Rose & Malkani
2. Kiminza
3. Raymond

برنامه درسی مدارس عشایری از همان برنامه درسی ملی تبعیت می کند، در حالی که اساسنامه مدارس عشایری (۱۳۹۳) بر ضرورت انعطاف پذیری برنامه های آموزشی و پرورشی مدارس عشایر تأکید کرده است. متولی این امر، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی است، ولی تاکنون اقدام عاجلی در این باره انجام نشده است. به نظر می رسد وضعیت موجود برنامه درسی مدارس عشایری برای اصحاب تصمیم گیر تا حدودی ناشناخته است. پس می توان گفت که شناسایی تهدیدها و فرصتهایی که برنامه درسی مدارس دوره ابتدایی عشایری را احاطه کرده است، شکاف عمده پژوهشی محسوب می شود. پاسخگویی به تنوعات بافتی دانش آموزان مدارس دوره ابتدایی عشایری اعم از اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیاز دارد که برنامه درسی رسمی کشور، از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر، گام نخست را در راستای اجرایی کردن مفاد سند تحول بنیادین مرتبط با برنامه درسی مدارس عشایری و اساسنامه مدارس عشایری برداشته است. پژوهش حاضر، با فراهم آوردن شناخت و بینشی نو و تصویری از واقعیت، راهنمای عملی تصمیم گیرهای دست اندرکاران و برنامه ریزان برنامه درسی عشایری قرار می گیرد تا با کاربست نتایج پژوهش، به بهبود مسیر فعالیتهای آموزشی و پرورشی و افزایش کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری در مدارس دوره ابتدایی عشایری کمک کنند. یکی از مهم ترین دلایلی که برنامه های درسی نتوانسته اند با موفقیت به اجرا درآیند این است که دست اندرکاران و برنامه ریزان برنامه درسی، خارج از مدرسه بوده اند و فهمی بسیار ناقص از فرهنگ موجود در مدارس داشته اند. این نادیده گرفتن فرهنگ مدرسه در بین معلمان نیز رسوخ کرده است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۲).

اگر تهدیدها و فرصتهای فعلی برنامه درسی دوره ابتدایی عشایری شناسایی شوند، گام اول به سوی برقراری عدالت آموزشی و نصیب آموزشی برابر در برنامه درسی عشایری برداشته خواهد شد و اگر دست اندرکاران امر اقداماتی عاجل در این زمینه انجام دهند، حضور دانش آموزان عشایری در کلاسهای درس از اولویتهای آنان خواهد شد و کمتر شاهد غیبت و افت کیفیت تحصیلی دانش آموزان خواهیم بود. همچنین اگر تهدیدها و فرصتها شناخته نشوند، پایه های اطلاعاتی برای برنامه ریزان درسی فراهم نخواهد شد تا برنامه درسی دوره ابتدایی مدارس عشایری را با شرایط خودشان منطبق کنند. پژوهشهای انجام شده در زمینه برنامه درسی عشایری به طور غیرمستقیم و تک بعدی به تهدیدها و فرصتهای موجود برنامه درسی عشایری پرداخته اند، هر چند که خیلی از زوایا مکنون مانده اند، اما در این پژوهش پژوهشگر تلاش کرده است که با بهره گیری از روش تحلیل محتوای کیفی داده های خام و پراکنده این حیطه را کاوش کند و به استنتاج موضوعها و تمهای نهفته در متون بپردازد. از این رو پرسش اصلی پژوهش حاضر این است: وضعیت موجود برنامه درسی در مدارس دوره ابتدایی عشایری از منظر تهدیدها و فرصتها چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، از روش تحلیل محتوای کیفی^۱ استفاده شده است. با توجه به اینکه در ادبیات تحقیق مقوله‌های مقاله‌ها وجود نداشت، قصد پژوهشگران این بود که ترتیبی دهند تا مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. از این رو، از روش تحلیل محتوای عرفی استفاده شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه تحلیل محتوای ارتباطی^۲ و به صورت دستی انجام شده است. این شیوه دارای شش مرحله است که عبارت‌اند از: تعیین سوال، تعیین نوع ارتباطات، تقلیل و ساده کردن متن به طبقات و کدها، اکتشاف ارتباط میان مفاهیم، کدگذاری ارتباطات و ترسیم نتایج. در مرحله اول پژوهشگران کوشیدند دو سوال اساسی پژوهش را مشخص کنند. ۱. طبق اسناد و متون، چه عواملی تهدید برنامه درسی در مدارس ابتدایی عشایری محسوب می‌شوند؟ ۲. طبق اسناد و متون، چه عواملی فرصت برنامه درسی در مدارس ابتدایی عشایری محسوب می‌شوند؟ پس از آن، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و اسناد بالادستی داخلی مرتبط با آموزش و پرورش دوره ابتدایی عشایری داخلی انتخاب شدند. معیارهای انتخاب متون و اسناد عبارت بودند از «روزآمد بودن» و «سودمندی در پاسخگویی به سؤال پژوهش». با توجه به تغییر در برنامه درسی دوره ابتدایی طی دهه ۹۰، به ویژه انتشار سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی و اساسنامه مدارس عشایری و حتی استقرار نظام آموزشی ۳-۳-۶، منابع منتشر شده از سال ۱۳۹۰ به بعد انتخاب شده‌اند. پس از جست‌وجو، تعداد ۳۷ منبع به دست آمد. در نهایت، تعداد ۲۰ متن به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شد.

جدول ۱. نوع متن و مشخصات متون و اسناد

نوع متن	
مقاله	۱. عطاران و عبدلی (۱۳۹۱)؛ ۲. عبدلی (۱۳۹۴)؛ ۳. فرمهبینی فراهانی و همکاران (۱۴۰۱)؛ ۴. تورانی و عارف‌نژاد (۱۳۹۶)؛ ۵. رحیمی پردنجانی و همکاران (۱۳۹۹)؛ ۶. حیدرزادگان و صندوقداران (۱۳۹۶)؛ ۷. محمودی و همکاران (۱۳۹۹).
پایان‌نامه	۸. هواسی‌زاد (۱۳۹۷)؛ ۹. باستان (۱۳۹۵)؛ ۱۰. موسایی گله (۱۳۹۶)؛ ۱۱. انصاری (۱۳۸۹)؛ ۱۲. خوشکام (۱۳۹۸)؛ ۱۳. بهاری بابادی (۱۳۹۶)؛ ۱۴. شمس‌الدینی (۱۳۹۶)؛ ۱۵. پارسایی (۱۳۹۰).
اسناد بالادستی	۱۶. اساسنامه مدارس عشایری (۱۳۹۳)؛ ۱۷. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران (۱۳۹۰)؛ ۱۸. آیین نامه تشکیل کلاسهای چند پایه (۱۳۹۳)؛ ۱۹. ضوابط و مقررات تأسیس مدارس عشایری (۱۳۹۹)؛ ۲۰. برنامه درسی ملی (۱۳۹۱).

در شیوه تحلیل ارتباطی، مراحل ششگانه به نوعی درهم تنیده‌اند. در مرحله دوم (تعیین نوع ارتباطات) متون مرور شد و پژوهشگران تصمیم گرفتند کد را به جملات و یک سری از واژگان (واحد معنا)

1. Qualitative content analysis
2. Relational analysis

اختصاص دهند. در مرحله سوم پژوهشگران شروع به ساده کردن متن به واحدهای معنا، رمزا و مقوله‌ها کردند و در مرحله چهارم ارتباط میان مفاهیم را کشف کردند. به این صورت که دو یا سه مفهومی که قدرت ارتباط بیشتری داشتند در یک شاخه جمع شدند. در این مرحله پژوهشگران اثر ارتباط را هم مدنظر داشتند و تهدیدها و فرصتهای برنامه درسی در مدارس عشایری را جدا کردند. برای نمونه جمله «اولیا می‌گویند اگر دانش‌آموزان را کتک زنی اصلاً گوش نمی‌کنند» یا «آثار تنبیه از نظر والدین و کودکان در بچه‌ها، تربیت خوب، درس خواندن، بازیگوشی نکردن و امثال اینهاست» را با عنوان واحد معنا مدنظر قرار گرفتند. سپس همین واحدهای معنا و مشابه اینها به رمز «تصور استفاده از تنبیه در میان عشایر» تبدیل شدند. پژوهشگران با توجه به معنای رمز و رمزهایی مانند «ازدواج زود هنگام دانش‌آموزان دختر»، «باورهای خرافه و معانی خاص پدیده‌ها» و «ردپای تعصبات طایفه‌ای در مدرسه» را ذیل مقوله فرعی «فرهنگ عامه» نام‌گذاری کردند که همراه با مقوله فرعی «سبک زندگی عشایری» تحت‌عنوان مقوله اصلی «فرهنگ جامعه عشایری» نام‌گذاری شدند. پس از کدگذاری ارتباطات، در نهایت نتایج در قالب جدول ترسیم شد.

برای ارزیابی داده‌های کیفی حاصل شده، از شیوه‌های متنوعی استفاده شد. لینکلن و گوبا^۱ (۲۰۰۵) و نیز استروبرت و کارپنتر^۲ (۲۰۱۰) چهار معیار مقبولیت^۳، همسانی^۴، تعین^۵ و انتقال‌پذیری^۶ را برای ارزیابی داده‌های کیفی پیشنهاد کرده‌اند (ادیب‌حاج‌باقری و همکاران، ۱۳۹۶). اولین شیوه، استفاده از بازنگری ناظران^۷ بود. ابتدا نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها در اختیار سه تن از اساتید برنامه درسی قرار گرفت که در پژوهشهای کیفی صبغه خوبی داشتند. آنان در زمینه آموزش و پرورش عشایری چندین پژوهش کیفی انجام داده بودند که نظرات اصلاحی آنان لحاظ شد. راهبرد دوم این بود که پژوهشگران زمان کافی برای گردآوری داده‌ها تخصیص دادند و درگیری مداوم در فرایند پژوهش داشتند. از این گذشته، از روش سه‌سویه‌سازی محقق^۸ هم استفاده و جلسات مشترک درباره گزاره‌های انتخابی و شیوه تحلیل محتوا برگزار شد. اعضای تیم پژوهش در فرایند تحلیل علاوه بر داشتن نقش همکاری در تحلیل و استخراج مفاهیم، نقش ارزیاب پژوهش را نیز عهده‌دار بودند و روی انتخاب و اصلاح مفاهیم برای همسویی اهداف پژوهش نظارت کردند.

■ یافته‌های پژوهش

تهدیدها و فرصتهای برنامه درسی در مدارس دوره ابتدایی عشایری در جدول شماره ۲ آورده شده است.

1. Lincoln & Guba
2. Streubert & Carpenter
3. Credibility
4. Dependability
5. Conformability
6. Transferability
7. External checks
8. Investigator triangulation

جدول ۲. رمزا، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی

رمزا	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	
• سواد و معلومات خانواده • نگرش خانواده به تحصیل	تفکر خانواده عشایری	تحصیل در جامعه عشایری	تهدیدهای برنامه درسی عشایری
• کفایت تحصیل تا حد خواندن و نوشتن • ناامید از تحصیل	چشم‌انداز به تحصیل		
• کار بیش از حد دانش‌آموزان در خانه • مشغله زیاد والدین • چالشهای کوچ بیلانق و قشلاق	سبک زندگی عشایری	فرهنگ جامعه عشایری	
• ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان دختر • باورهای خرافه و معانی خاص پدیده‌ها • رد پای تعصبات طایفه‌ای در مدرسه • تصور به کارگیری تنبیه در میان عشایر	فرهنگ عامه		
• فرصت به کارگیری دانش و ادبیات بومی محلی عشایری در فرایند یاددهی - یادگیری • فرصت استفاده از مصنوعات و بازیهای بومی محلی در فرایند یاددهی - یادگیری • مدرسه عشایری به‌مثابه مدرسه طبیعت	فرصت ایجاد یادگیری معنادار	فرصتهای زیست‌بوم عشایری	فرصتهای برنامه درسی عشایری
• جذابیت تکنولوژی آموزشی • نهادهای حمایتی و خیرین عامل بسط عدالت توزیعی	ظرفیتهای خاص در مدارس عشایری		
• تأسیس مدرسه حتی با یک دانش‌آموز • تشویق و ماندگاری نیروی انسانی مدارس عشایری • ایجاد فرصتهای برابر آموزشی با اعتبارات مالی ویژه • رشد و توسعه حرفه‌ای معلمان چندپایه عشایری • لزوم انعطاف‌پذیری در برنامه درسی عشایری • تمهیدات ایجاد آمادگی برای دانش‌آموزان دوزبانه عشایر • متناسب‌سازی زمان آموزش	فرصتهای الزامات قوانین بالادستی		

■ تهدیدهای برنامه درسی عشایری

◎ تحصیل در جامعه عشایری

مقوله اصلی تحصیل در جامعه عشایری به ترتیب از دو مقوله فرعی «تفکر خانواده عشایری» و «چشم انداز به تحصیل» تشکیل شده است که در ادامه به همراه رمزهای مربوطه مورد بازخوانی قرار می گیرند.

لله تفکر خانواده عشایری: وقتی که فردی با پدیده‌ای به دقت برخورد کند و واکنشی مناسب درمورد آن از خود نشان دهد، استنباط می‌شود که عملکرد او ناشی از تفکر وی است. یافته‌های این بخش نشان داد که اغلب اوقات در خانواده عشایری، سواد کافی برای پیگیری امور تحصیلی دانش آموزان عشایری وجود ندارد. «تکالیفی که برای خانه می‌دهم توسط والدین بررسی نمی‌شود. همیشه به خاطر این مورد با والدین درگیر هستم.» (کد ۷)

برخی از والدین دانش آموزان عشایری نسبت به آموزش کم توجه‌اند. «دانش آموزان تا زمان اقامت در قشلاق در هیچ کلاسی شرکت نکرده بودند؛ طبق گفته مادر یکی از دانش آموزان، به نظر می‌بی تفاوتی خانواده‌ها دلیل اصلی این میزان غیبت دانش آموزان بوده است. چراکه با وجود بودن یک مدرسه در نزدیکی محل اسکان دانش آموزان خانواده‌ها اقدامی برای فرستادن دانش آموزان به آن مدرسه نکرده بودند.» (کد ۲)

لله چشم انداز به تحصیل: بخشی از یافته‌ها نیز نشان می‌دهد که انتظار اغلب والدین از تحصیل فرزند خود، صرفاً خواندن و نوشتن تا دوره ابتدایی است. «اینها (عشایر) به تنها چیزی که فکر نمی‌کنند سرنوشت بچه‌هایشان است. گیرم درس دادی و زحمت کشیدی. اینها بیشتر از پایه پنجم درس نمی‌خوانند. خودت را اذیت نکن و سخت نگیر.» (کد ۱۰)

همچنین، به زعم مردمان عشایری، مقوله تحصیل توانایی برقراری عدالت اجتماعی و شغلی را در جامعه عشایری ندارد. آنها به نوعی از تحصیل مأیوس شده‌اند. «دانش آموز خودش می‌گفت: دیگر نمی‌خواهم در مدرسه باشم، چون می‌بینند برادر بزرگش که مدرسه نمی‌رود حداقل ده رأس گوسفند دارد ولی او هیچ چیز ندارد. من با ابزارهای کمک آموزشی مثل آموزش کار با ماشین حساب و سایر تشویق‌ها او را راضی کردم حداقل تا پایان سال تحصیلی بماند.» (کد ۷)

◎ فرهنگ جامعه عشایری

معلم‌ان عشایر به سبب حضور طولانی مدت در میان مردمان عشایر، اغلب در نقش فرهنگ نگار ظاهر می‌شوند. دو مقوله فرعی به همراه رمزهای مربوطه در این بخش کشف شد.

لله سبک زندگی عشایری: عشایر دامدار از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، تفاوت‌های اساسی با دیگر مردمان جامعه دارند. آنان اساساً به دام وابسته‌اند. اولین نمود سبک زندگی عشایری ایرانی،

کار فرزندان و کمک به تأمین معیشت خانواده است. «در خانواده‌های عشایری به علت کار زیاد خانواده‌ها، مثل بیرون کردن گوسفندان از طویله و کارهای دیگر، بچه‌ها مجبورند به والدین خود کمک کنند.» (کد ۹)

مشغله و سختی شغل دامداری موجب می‌شود که والدین عشایری فرصت کافی را برای تربیت و رسیدگی به امور تحصیلی دانش‌آموزان عشایری نداشته باشند. «پرورش گله، منبع اصلی درآمد عشایر کوچ‌روست و همه اعضای خانواده در این کار مشارکت دارند. این نحوه زندگی زمان کافی را برای والدین جهت رسیدگی به تحصیل فرزندان‌شان نمی‌گذارد.» (کد ۸)

کوچ خانوارهای عشایری که میان قلمروهای ییلاقی و قشلاقی با هدف دسترسی به علوفه مرتعی تازه برای تغلیف احشام و اهتراز از گرما و سرمای شدید انجام می‌گیرد، چالش‌های بسیاری را بر سر راه تحصیل دانش‌آموزان عشایری قرار داده است که مهم‌ترین آن غیبت دانش‌آموزان در کلاسهای درس است. «دو کوچ بهاره و زمستانه عشایر، به‌طور متوسط عامل افت ۳۴ درصد خالص زمان آموزش (برابر با ۵۵ روز از ۱۶۰ روز خالص درسی)، اختلال در برنامه‌ریزیهای آموزشی و درسی معلم، دوباره‌کاری و گاهی چندباره‌کاری آموزش مطالب و فشرده‌گی بالای ارائه و آموزش مطالب آموزشی به دانش‌آموزان است.» (کد ۲)

۱۳ فرهنگ عامه: جمعیت عشایر با شیوه خاص زیست خود از فرهنگ این سرزمین پاسداری کرده‌اند. با این حال، برخی رسمها، بدعتها، باورهای نابه‌جا و تعصبات قبیله‌ای کشف شد که تهدید برنامه‌درسی محسوب می‌شوند. یکی از بدعتها موضوع ازدواج زودهنگام دختران دانش‌آموز عشایری است. «دانش‌آموز دختر سوم ابتدایی من با مرد ۲۲ ساله ازدواج کرد. از اهالی روستاهای همجوار شنیدم که پدر دانش‌آموز، به این دلیل راضی به ازدواج دخترش شده که داماد بیاید و کارهای او را انجام دهد.» (کد ۳)

یکی دیگر از موضوعاتی که در تحصیل دانش‌آموزان دوره ابتدایی عشایری تأثیر منفی می‌گذارد، وجود باورها و اعتقادات خاص و بعضاً خرافه‌گونه است. «هرکس در ایل ... پسر نداشته باشد او را ابتر یا کوراجاق می‌نامند. من قصد دارم سنت شکنی کنم و دخترانم را به مدارج علمی برسانم.» (کد ۱۰)

«معلم باید بداند که چادر مدرسه را کجا بزند. اگر چند سال متوالی چادر مدرسه در کنار چادر یکی از اهالی برپا شود، مردم فکر می‌کنند چادر مال آن خانواده است. بعد اگر اختلافی با آن خانواده داشته باشند. دیگر به نشانه اعتراض فرزندش را به مدرسه نمی‌فرستد، چرا که فکر می‌کند مدرسه مال همان مرد است.» (کد ۵)

یکی از ویژگیهای نظام ایلی با ساختار عشیره‌ای، خویشاوندگرایی است. تحلیل یافته‌ها نشان داد که تعصبات قبیله‌ای در عشایر، به مدرسه هم راه یافته است. «در عشایر طوایف گوناگون با هم

در رقابت هستند. هر طایفه خود را برتر از سایر طوایف می‌داند و تلاش می‌کند که حرف خود را به کرسی بنشانند، این امر باعث به وجود آمدن نوعی رقابت ناسالم بین بچه‌ها شده است، طوری که در بسیاری از مواقع دانش‌آموزان از پیشرفت همکلاسیهای خود ناراحت می‌شوند و دانش‌آموز موفق را مورد تمسخر قرار می‌دهند.» (کد ۹)

واکاو متون نشان داد که برخی والدین و حتی دانش‌آموزان عشایری تصور و نگرشی خاص به تنبیه دارند. «اولیا می‌گویند اگر دانش‌آموزان را کتک زنی اصلاً گوش نمی‌کنند و آدم نمی‌شوند.» (کدهای ۱ و ۳) این تصورات نافع بودن تنبیه در اصلاح رفتار، به دانش‌آموزان عشایری هم القا شده است. «راهبر و مسئولان که از اداره آمده بودند؛ از دانش‌آموزان پرسیدند: می‌خواهید در آینده چکاره شوید؟ دانش‌آموزم برگشت گفت: می‌خواهم معلم شوم تا دانش‌آموزانم را تنبیه کنم.» (کد ۳)

■ فرصت‌های برنامه درسی عشایری

◎ فرصت زیست‌بوم عشایری

مقوله اصلی فرصت زیست‌بوم عشایری به ترتیب از دو مقوله فرعی «فرصت ایجاد یادگیری معنادار» و «ظرفیتهای خاص در مدارس عشایری» تشکیل شده است که در ادامه به همراه رمزهای مربوطه ارائه می‌شوند.

➤ **فرصت ایجاد یادگیری معنادار:** جاذبه‌های فراوانی در زیست‌بوم عشایر وجود دارد. استفاده معلمان از ادبیات، مصنوعات، دانش و بازیهای بومی محلی در فرایند یاددهی - یادگیری غنیمتی است. «به نظر من معلم باید معماها و بازیهای قدیمی که اونها طرح می‌کردند را یاد بگیره. عشایر داستانهای قدیمی دارند که باید بشناسی اگر بلد بودی به عنوان معلم باسواد قبولت داشتند.» (کد ۵)

سند تحول بنیادین در راهکار ۵-۵ فرصتی ایجاد کرده است تا جلوه‌هایی از زیست‌بوم عشایری در برنامه درسی تبلور پیدا کند: «حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه‌های آموزشی به معرفی حرفه‌ها، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم، نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استانها به‌ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی ایرانی دانش‌آموزان در چارچوب ایجاد کارآمدی و تقویت هویت ملی، تخصیص یابد.»

موقعیت دیگر موجود در برنامه درسی عشایر این است که محیط بکر، مدارس عشایری را به مدارس طبیعت تبدیل کرده است. «یکی از نقاط قوت معلم عشایر استفاده از امکانات دردسترس به‌ویژه طبیعت محل تشکیل کلاس است. مثلاً بعد از تدریس مباحث نظری فسیل با استفاده از پرسش و پاسخ در درس علوم پایه پنجم ابتدایی، اجازه داده می‌شود که با استفاده از روش گردش علمی در بستر رودخانه به دنبال فسیل بگردند.» (کدهای ۱۰ و ۸)

ظرفیتهای خاص در مدارس عشایری: برخی ابزارهای به ظاهر معمولی، برای دانش‌آموزان عشایری تازگی دارند. «بچه‌ها از شیوه‌های نوین خیلی استقبال می‌کردند و بعضی وقتها با گوشی شخصی فیلم آموزشی برایشون می‌گذاشتم و اونها خیلی دوست داشتند.» (کد ۸)

حضور نهادهای حمایتی و خیرین در مناطق کم برخوردار و عشایر موجب بسط عدالت توزیعی شده است. «کمیتة امداد/امام (ره) مبلغی را اختصاص داده بود که با آن مداد و تراش دانش‌آموزان را تهیه کردیم، علاوه براین، مددکار کمیتة امداد گفت تعداد صد کیف و سیصد دفتر هدایی برای دانش‌آموزان عشایری دارم.» «در جهت دسترسی آسان و عادلانه به امکانات آموزشی کتابخانه‌های سیار با کمک اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان راه‌اندازی شود.» (کد ۱۲)

● الزامات اسناد بالادستی

در حال حاضر مدرسه ابتدایی عشایری حتی با یک دانش‌آموز نیز دایر می‌شود. «مدرسه عشایری در دوره ابتدایی با هر تعداد دانش‌آموز تأسیس می‌شود.» (کد ۲۰)

برای ماندگاری و به کارگیری نیروی انسانی شاغل در مدارس عشایری تمهیداتی اندیشیده شده است. «به منظور تقویت انگیزه و ماندگاری کارکنان آموزشی و پرورشی این مدارس اقدامهای لازم و اثربخش نظیر پرداخت حق آمد و شد، حق اسکان، سختی کار ویژه و حق کوچ انجام می‌شود.» (کد ۱۶)

در بحث اعتبارات مالی در ماده ۱۴ اساسنامه مدارس عشایری آمده است: «وزارت آموزش و پرورش موظف است به منظور تحقق عدالت آموزشی و پرورشی و بسترسازی توسعه متوازن در مناطق عشایری، ردیف اعتباری خاص با عنوان «توسعه آموزش و پرورش عشایری» با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تعیین و در لوائح بودجه سالانه منظور کند.» (کد ۱۶)

برای توانمندسازی، توسعه و رشد حرفه‌ای معلمان عشایری که اغلب در چندپایه تدریس می‌کنند، قوانین به حد کافی وجود دارد. «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برای پشتیبانی آموزشی و تربیتی از معلمان و دانش‌آموزان کلاسهای چندپایه، نسبت به تهیه و تدوین کتاب راهنمای معلم و بسته‌های آموزشی ویژه کلاسهای چندپایه اقدام نمایند، به گونه‌ای که برنامه‌ها، ضمن انعطاف‌پذیری در روشها، با شرایط محیطی و زمان آموزش سازگاری داشته باشد.» (کد ۱۸)

با توجه به دوزبانه بودن دانش‌آموزان عشایری، تمهیدات رایگان برای ایجاد آمادگی بدو ورود دانش‌آموزان اختصاص یافته است. «با توجه به وضعیت اقتصادی و شرایط خاص فرهنگی مناطق عشایری اجرای دوره پیش دبستانی، آمادگی دوزبانه و سنجش سلامت دانش‌آموزان آماده ورود به دبستان در این مناطق الزامی، همگانی و رایگان است. و منابع آن را آ. پ تأمین خواهد کرد.» (کد ۱۶)

سند تحول بنیادین هم ذیل راهکارهای خود بر ایجاد آمادگی اولیه در دانش‌آموزان عشایری صحنه گذاشته است.

راهکار ۵-۳ «توانمندسازی دانش‌آموزان ساکن در مناطق محروم، روستاها، حاشیه شهرها، عشایر کوچ نشین و همچنین مناطق دو زبانه با نیازهای ویژه، با تأکید بر ایجاد فرصت‌های آموزشی متنوع و با کیفیت» (۱۷)

بخش دیگر تفاوت برنامه درسی عشایری، مربوط به زمان آموزش و ارزشیابی است. در ماده ۱۰ اساسنامه مدارس عشایری به عنصر زمان توجهی ویژه شده است. «زمان اجرای ارزشیابی تحصیلی نوبتهای تحصیلی از سوی شورای برنامه‌ریزی استان و براساس شرایط جغرافیایی، اقلیمی و اجتماعی مناطق عشایری تعیین می‌شود».

در تبصره ۱ هم گفته شده است که «کسری زمان آموزش این نوع مدارس (عشایری) با تشکیل و فعالیت مدارس به‌صورت «یک نوبته دو هفته» و دایر نمودن مدارس در روزهای پنج‌شنبه جبران می‌شود» (۱۶).

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

پژوهش حاضر با هدف واکاوی برنامه درسی در مدارس دوره ابتدایی عشایری، از منظر تهدیدها و فرصتها انجام شده است. در بخش تهدیدها، بخشی از نتایج پژوهش حاکی از آن است که مقوله تحصیل در برخی خانواده‌های عشایری جایگاه چندان مناسبی ندارد. آنچه در خانواده عشایری دیده می‌شود، بی‌توجهی به تحصیل، قانع بودن به تحصیلات ابتدایی، نبود سواد کافی و تصور کارساز نبودن تحصیل در برقراری عدالت اجتماعی خانواده عشایری است. چنین استنباط می‌شود که دلیل کم‌توجهی خانواده عشایری به تحصیل، غیرمرتبط بودن برنامه‌درسی با سبک زندگی عشایری است. در همین راستا، نتایج پژوهشهای محمودی و همکاران (۱۳۹۹)، هواسی‌زاد (۱۳۹۷)، باستان (۱۳۹۵)، عطاران و عبدلی (۱۳۹۱) و یونسکو (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که برنامه درسی و برخی عناصر آن به‌ویژه محتوای کتابها، تناسبی با سبک زندگی عشایر ندارد. این تهدید در برنامه درسی را می‌توان با بهره‌گیری از فرصتهای موجود تعدیل کرد. یافته‌های پژوهش حاضر در بخش فرصتها نشان داد که زیست‌بوم عشایر، محملی را برای استفاده از دانش و ادبیات، مصنوعات و بازیهای بومی محلی عشایری در فرایند یاددهی - یادگیری و فرصت تدریس با روش فعال در محیط طبیعی فراهم کرده است. دانش بومی از این لحاظ فرصت محسوب می‌شود که دانش‌آموزان با راهنمایی معلم عشایر در یک تجربه عملی و مشارکتی می‌توانند حکایتها، لالاییها، بازیها، اشعار یا ضرب‌المثل‌های شفاهی را از بزرگان ایل و خانواده گردآوری کنند و به نگارش در بیاورند. قدر مسلم، در این روند، خانواده‌ها نیز درگیر فرایند یاددهی - یادگیری خواهند شد. در صورتی که ادبیات محلی به این طریق به برنامه‌درسی راه پیدا کند، تمایل والدین برای مشارکت

در آموزش فرزندان خود بیشتر خواهد شد. این وضعیت را می توان با استفاده از نظریه سازنده گرایی اجتماعی^۱ و یگوتسکی^۲ تبیین کرد. به باور او، کنش متقابل میان یادگیرنده و محیط اجتماعی فرد، تعیین کننده اصلی رشد شناختی فراگیر است (۱۹۸۱). براساس مفهوم منطقه تقریبی رشد^۳ وی می توان گفت که تعامل اجتماعی و رفت و برگشت های متوالی دانش آموزان عشایری میان مدرسه و خانه برای کسب دانش بومی، در وهله اول منجر به رشد و یادگیری مطلوب دانش آموزان و همچنین موجب جلب توجه و اهمیت دادن خانواده عشایری به برنامه درسی خواهد شد.

ناامیدی از تحصیل یکی از تهدیدهای برنامه درسی در مدارس عشایر است. بخشی از ناامیدی خانواده عشایری نسبت به تحصیل، ریشه در به کارگیری نیروی انسانی ضعیف در این مدارس است. در متن مقاله کد ۷ این چنین آمده است: «اولیا عشایری گلابه دارند که معلمان قبلی کم کاری کرده اند و دولت آنها را برای خوش گذرانی برای اینجا فرستاده است». تورانی و عارف نژاد (۱۳۹۶) و حیدرزادگان و صندوقداران (۱۳۹۶) بیان می کنند که اکثر کلاسهای مدارس روستایی و عشایری را معلمان تازه کار یا سرباز معلمان اداره می کنند. آنها انگیزه ای برای یادگیری و کاربرد اصول و روش های تعلیم و تربیت ندارند و قصدشان گذراندن دو سال خدمت نظام وظیفه است. راه حل بازگشت اعتماد خانواده عشایری به نظام تحصیلی این است که از وجود معلمان توانمند در مدارس عشایری استفاده شود، چرا که معلمان با کیفیت و دارای شایستگی در استفاده از راهبردهای متنوع تدریس به خوبی می دانند که چطور از فرصت مدارس طبیعت عشایر استفاده کنند. مدارس طبیعت عموماً بر ایده زیست گرایی (بیوفیلیا)^۴ تکیه دارند که می گوید انسان برای نزدیکی به طبیعت گرایش و نیاز فطری دارد. از این رو، آموزش و یادگیری در بستر طبیعت، بهتر از هر مکان دیگری اتفاق می افتد (زوران حسینی، ۱۳۹۴). طبیعت عشایری، جنگلها، زمینهای کشاورزی، رودخانه ها، مراتع یا دامداری کمک می کنند تا دانش آموزان علاوه بر فراگیری تئوری مطالب، تجربه عینی نیز داشته باشند. همراستا با نتایج پژوهش حاضر، صاحبزاده و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که استفاده دانش آموزان ابتدایی از ابزار، مواد و وسایل طبیعی موجود در محیط به عنوان رسانه آموزشی (خاک، آب، سنگ و ...) برای یادگیری بخش علوم زمین کتاب علوم تجربی، در پیشرفت تحصیلی حاصل از یادگیری و نگرش آنان نسبت به تحصیل، تأثیر معنادار داشته است. محیط عشایری به معلم این امکان را می دهد که از ظرفیتهای برنامه درسی روئیدنی^۵ و روشهای تدریس فعال استفاده کند و صرفاً به روش سخنرانی و توضیح کلامی اکتفا نکند.

مقوله اصلی بعدی، فرهنگ جامعه عشایری بود که تهدیدهایی را تحت عناوین مقوله های فرعی سبک زندگی عشایری و فرهنگ عامه را در خود جای داد. نتایج پژوهش نشان داد در سبک زندگی

1. Theory of social constructivism
2. Vygotsky
3. The zone of proximal development
4. Biophilia
5. Emergent curriculum

عشایر، دانش‌آموزان دوره ابتدایی، به مانند کودک کار در پرورش دام سهمی بسزا دارند. سختیهای شغل دامداری و هزینه بالای زندگی موجب می‌شود که والدین ناگزیر از ترجیح دادن استفاده کاری از فرزند به جای فرستادن وی به مدرسه باشند. نتیجه این می‌شود که دانش‌آموزان مکرر غایب می‌شوند و دست آخر دچار افت تحصیلی و ترک تحصیلی می‌شوند. معلمان هم مجبور می‌شوند برای جبران بودجه‌بندی و اتمام سرفصلها، مطالب و محتوا را با سرعت تدریس کنند و نتیجه این روند، یادگیری سطحی دانش‌آموزان خواهد بود. یکی از فرصتهای مدارس عشایری این است که دانش‌آموزان عشایری شوق وصفناپذیری به استفاده از فناوریهای نوین حتی به ظاهر معمولی دارند. ضرورت دارد که آموزش و پرورش با استفاده از فرصت اعتبارات مالی ویژه مندرج در اساسنامه عشایری، به استقرار تکنولوژی آموزشی در مدارس عشایر نگاهی ویژه داشته باشد. علاوه بر این، با ایجاد زیرساخت باید از ظرفیت رسانه و فضای مجازی در مدارس کوچ‌رو استفاده شود. در یک تجربه مثبت، آگوچوکو^۱ (۲۰۲۰) به این نتیجه رسید که دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی گروه آزمایش که با شیوه آموزش رادیویی تعاملی^۲ آموزش دیدند در سواد، ریاضیات و مهارتهای زندگی نمرات بالاتر نسبت به دانش‌آموزان گروه کنترل کسب کردند و رضایت بیشتری داشتند.

یکی دیگر از تهدیدهای برنامه درسی مدارس عشایری، از دست رفتن زمان آموزش است. سال تحصیلی عشایر همانند دیگر مدارس کشور از اول مهر آغاز می‌شود و خرداد سال بعد پایان می‌یابد؛ این درحالی است که برخی خانواده‌های عشایری کوچ‌رو، در این مدت دو کوچ بهاره و زمستانه را با طی مسافتی ۵۰۰ کیلومتری از سر می‌گذرانند. این تهدید برنامه درسی را هم می‌شود با استفاده از فرصتهای موجود برنامه درسی خنثی کرد. اسناد بالادستی موجود نظام تربیتی کشور، فرصتهایی مانند «لزوم انعطاف‌پذیری برنامه‌درسی عشایری»، و «متناسب‌سازی زمان آموزش» را فراهم کرده‌اند. در ماده ۸ اساسنامه عشایری چنین ذکر شده است «برنامه درسی و متون آموزشی و تربیتی این مدارس، بر اساس مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و در چارچوب برنامه درسی ملی و باتوجه به شرایط و ویژگیهای زندگی عشایری و اقتضائات محلی و منطقه‌ای، توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، حداکثر تا دو سال پس از ابلاغ این اساسنامه متناسب‌سازی خواهد شد». اسناد بالادستی به‌خوبی ظرفیتهایی را ایجاد کرده‌اند، حال نوبت متصدیان امر است که نسبت به تغییر عناصر برنامه درسی در مدارس عشایر اقدام کنند. در این راه می‌توان از الگوهای بومی استفاده کرد. برای نمونه بهمن‌بیگی (۱۴۰۰) پدر آموزش عشایری بر این اعتقاد بود که چون عشایر حدود ۴ ماه در قشلاق و ۴ ماه در ییلاق به سر می‌برند بهتر است دبستانها در این ۸ ماه دائر و ۴ ماه دیگر که ایل در حرکت (ایام کوچ بهاره و پاییزه) است تعطیل باشند.

1. Ugochukwu

2. Interactive radio instruction

یکی از تهدیدهای برنامه درسی در مدارس عشایری، معنای تنبیه در میان مردمان عشایر است. طبق نتایج پژوهش، به باور برخی از اهالی عشایر و حتی خود دانش آموزان، تنبیه در آموزش و تربیت دانش آموزان کارساز و اصلاح کننده است. بهمن بیگی (۱۴۰۰) جمله معروفی دارد: «طلای شهامت را با پیشیز سواد مبادله نکنیم.» وی معتقد بود که شهامت و شجاعت از خصائص ذاتی مردم عشایر است و آموزگاران عشایری از هر نوع تنبیه و حتی سرزنش دانش آموزان پرهیز کنند تا به این دو گوهر گرانبها که سرچشمه سجایای اخلاقی است لطمه ای نرسد. بزرگ ترین اشکال تنبیه این است که رفتار نامطلوب را از بین نمی برد بلکه موقتاً واپس می زند. علاوه بر این تنبیه موجب پرخاشگری کودکان می شود و مختصر اینکه، تنبیه عمل مسری است (سیف، ۱۳۸۹). هر چند تنبیه تهدید برنامه درسی در مدارس عشایر است، اما در قبال آن فرصتهایی هم در برنامه درسی عشایری دارد که می تواند اثر این پدیده نامیمون را کم رنگ کند. ناگفته پیداست که برخی معلمان از تنبیه استفاده می کنند تا انضباط کلاس را کنترل کنند یا اینکه دانش آموزان را وادار به انجام دادن فعالیت های یادگیری کنند. به زعم فتحی آذر (۱۳۹۱) فعال نگهداشتن دانش آموزان در امر یادگیری و به نوعی آموزش موفق توسط معلم، عامل اصلی جلوگیری از بی نظمی دانش آموزان است. وقتی که معلمی تلاش می کند مفاهیم درس را از حالت پیچیده خارج کند و به شکل قابل فهم ارائه کند، در آن صورت احتمال یادگیری دانش آموز بالا می رود و در نتیجه معلم کمتر به تنبیه متوسل می شود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که استفاده معلمان عشایر از مصنوعات محلی در تدریس و مثال آوردن از آنها، موجب درک واضح و عملی، درگیری تحصیلی و یادگیری معنادار دانش آموزان می شود. یکی از مفاهیم مولود رشته مطالعات برنامه درسی، برنامه درسی بومی^۱ است. گیرتز^۲ (۱۹۸۳) دانش بومی را به عنوان دانش کاربردی، جمعی و عمیقاً ریشه گرفته از یک مکان خاص تعریف می کند (و ثوقی و حبیبی، ۱۳۹۳). بومی سازی آموزشی را می توان موقعیتی کردن^۳ برنامه درسی دانست. معلمان باید براساس نیازهای دانش آموزان و یادگیری بهتر آنان تلاش کنند و به فرصت های بومی منطقه توجهی خاص داشته باشند. معلمان برای آموزش بهتر مفاهیم انتزاعی از مثال های واقعی و ابزار ساده که برگرفته از محیط می باشند، استفاده کنند (حاجی تبار فیروزجایی و همکاران، ۱۳۹۹). در جمع بندی این بخش باید گفت که تمرکز بر تقویت آموزش از طریق به کارگیری دانش بومی عشایری، موجب جلب اشتیاق دانش آموزان عشایری نسبت به تحصیل می شود، وقتی این مهم اتفاق بیفتد، دیگر تنبیه معنایی ندارد.

تهدید دیگر برنامه درسی عشایری ازدواج زود هنگام دانش آموزان دختر است. برخی خانواده های عشایری به دلایل فرهنگی راضی به ادامه تحصیل دختران دانش آموز نیستند (حسینی، ۱۳۹۹). به نظر می رسد میان ترک تحصیل دانش آموزان دختر و ازدواج زود هنگام آنان رابطه وجود دارد. این تهدید در

1. Local curriculum
2. Geertz
3. Contextualization

حالی وجود دارد که در اساسنامه مدارس عشایری (۱۳۹۳) تأکید شده که برای جلوگیری از توقف تحصیل دانش‌آموزان به‌ویژه دانش‌آموزان دختر باید فرصت‌های آموزشی را برای این افراد فراهم و دسترسی را برای یادگیری آسان ایجاد کرد. یکی از فرصت‌های غلبه بر این تهدید در سند کد ۱۲ این چنین آمده است: «برای تأمین نیروی بومی در مدارس عشایری سهمیه ویژه در دانشگاه فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی تعلق گرفته است». در تبیین مباحث این بخش باید گفت اگر آموزش و پرورش در جذب معلمان زن بومی یا غیربومی اهتمام بیشتری داشته باشد، این اتفاق موجب رفع مقاومت فرهنگی اولیای عشایری خواهد شد و در نتیجه راضی خواهند شد که دانش‌آموز دختر همچنان ادامه تحصیل دهند و در نتیجه این عدم ترک تحصیل به نوبه خود سدی محکم در برابر کودک همسری دانش‌آموز عشایری خواهد شد. در بخش فرصت‌های الزامات اسناد بالادستی، رمزهایی مانند «تاسیس مدرسه حتی با یک دانش‌آموز»، «تشویق و ماندگاری نیروی انسانی مدارس عشایری»، «ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی با اعتبارات مالی ویژه»، «رشد و توسعه حرفه‌ای معلمان چندپایه عشایری کشف شده است. به گفته سیفی (۱۳۹۹) هم‌اکنون بیش از صد مدرسه ابتدایی عشایری با جمعیت یک دانش‌آموز تشکیل شده است. فرصت دیگر، زمان ارزشیابی تحصیلی در نوبت‌های پایانی است که براساس تصمیمات شورای برنامه‌ریزی استان‌های دارای مدارس عشایری و شرایط اقلیمی و جغرافیایی مناطق عشایری برگزار می‌شود و به جهت کوچ عشایر زودتر اتفاق می‌افتد. همچنین استفاده از راهبران آموزشی- تربیتی که نقش نظارت و راهنمایی معلمان عشایر کلاس‌های چندپایه را دارند، می‌تواند به ارتقای کیفی امور آموزشی و پرورشی مدارس عشایری و ارتقای سطح مهارت‌های حرفه‌ای معلمان و تجربیات آموزشی و پرورشی آنان کمک کند. استفاده از راهبران از این جهت اهمیت دارد که به کارگماری و اشتغال معلمان کم‌تجربه و سرباز معلم در مدارس عشایری بیشتر شایع است.

سند برنامه درسی هم به نیازهای آموزشی عشایر توجه نسبتاً خوبی دارد، اما با توجه به اینکه مبانی جامعه‌شناختی و فرهنگی زیستی عشایر متفاوت از دیگر جوامع است لذا در بحث تبدیل رهنمودها به الزامات اجرایی و تجویزی دچار نقص است (رحیمی پردنجانی، ۱۴۰۰). در جمع‌بندی مباحث باید گفت که در اغلب موارد می‌توان با کاربست راهکارهای معرفی شده در پژوهش، تهدیدهای موجود در برنامه درسی مدارس دوره ابتدایی عشایری را به فرصت تبدیل کرد. هر چند در بخش فرصت‌ها، قوانین بالادستی مانند اساسنامه مدارس عشایری وجود دارد که به خوبی نگاشته شده، ولی عملیاتی نشده است و به نظر می‌رسد تا برآورده کردن عدالت آموزشی در برنامه درسی عشایری، فرسنگ‌ها فاصله دارند، چرا که منابع اعتباری لازم برای اجرا تخصیص داده نمی‌شود.

در پایان، براساس یافته‌های پژوهش پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

۱. برای بازگشت اعتماد از دست‌رفته خانواده‌ها به تحصیل و ایجاد یادگیری مطلوب در دانش‌آموزان، آموزش و پرورش، برنامه درسی بومی ویژه عشایر را طراحی و اجرا کند.

۲. برنامه ریزان درسی دانش و ادبیات، مصنوعات و بازیهای بومی محلی عشایری را وارد برنامه درسی مدارس عشایری کنند تا اشتیاق جامعه عشایری نسبت به آموزش بیشتر شود.
۳. سال تحصیلی مدارس عشایری با در نظر گرفتن الزامات قانونی برای انعطاف پذیری، طی فصول تابستان و زمستان برگزار شود.
۴. دوره های ضمن خدمت برای معلمان و سرباز معلمان شاغل در مدارس عشایری برگزار شود و اهمیت تمرکز بر آموزش به منظور زدودن آثار ناخوشایند تنبیه بدنی تشریح شود.
۵. ضرورت دارد که نهادهای قانونی و قضایی کشور به کار بیش از حد دانش آموزان عشایر ورود کنند و با همکاری مدارس عشایری قانون اجبار به تحصیل، عملاً اجرا شود.
۶. از آن جاکه دانش آموزان عشایری به داستان علاقه خاصی دارند، از این ظرفیت استفاده شود و به طور مستقیم یا غیرمستقیم مضامینی با پیامهای کاهش منازعات و دعوای طایفه ای در کتابها تعبیه شود.
۷. مدرسه عشایری ویژگیهای مدرسه طبیعت را دارد. دانشگاه فرهنگیان در برنامه های تربیت معلم و آموزش و پرورش در دوره های بدو خدمت و ضمن خدمت، این مهم را مدنظر قرار دهد. دانشگاه فرهنگیان در برنامه درسی دانشجو- معلمان دوره ابتدایی واحد درسی تعبیه کند که در آن مبانی و ویژگیهای جامعه عشایری و سبک زندگی به ویژه محیط دانش آموز عشایری معرفی شوند.
۸. با توجه به ظرفیتهای قانونی، تمهیداتی اندیشیده شود تا حتماً معلمان بومی جذب مدارس این مناطق شوند.
۹. آموزش و پرورش با استفاده از فرصت اعتبارات مالی ویژه، نسبت به استقرار رسانه ها و فناوریهای نوین آموزشی اعم آموزش تعاملی رادیو و تلویزیون محور، یادگیری از طریق موبایل و تبلت اهتمامی ویژه داشته باشد.
۱۰. پیشنهاد می شود با استفاده از پژوهش کیفی وضعیت موجود از جهت اجرای قوانین بالادستی در برنامه درسی مدارس ابتدایی عشایری مورد واکاوی قرار گیرد.

- آیین‌نامه تشکیل کلاسهای چند پایه. (۱۳۹۳). هشتصد و نود و پنجمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش. ادیب‌حاج‌باقری، محسن؛ پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش. (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق کیفی. تهران: انتشارات بشری. اساسنامه مدارس عشایری. (۱۳۹۳). نهصد و هشتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش. اکبری، علی و میزبان، مهدی. (۱۳۸۳). درآمدی بر شناخت ویژگی‌های جمعیت و جوامع عشایری ایران. مطالعات ملی، ۵ (۱۷)، ۴۲-۹.
- Dor: 20.1001.1.1735059.1383.5.17.1.0
- انصاری، محمد. (۱۳۸۹). بررسی نقش عوامل مدیریتی، آموزشگاهی، فردی و خانوادگی در ترک تحصیل دانش‌آموزان عشایری استان فارس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- باستان، مرضیه. (۱۳۹۵). ارزیابی آسیب‌ها و مشکلات برنامه‌ریزی درسی مدارس ابتدایی عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد از نظر معلمان و مردم بومی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- بهاری بابادی، لهراسب. (۱۳۹۶). شناسایی چالش‌های آموزشی کلاسهای چندپایه عشایری شهرستان لالی در سال ۹۶-۹۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران.
- بهم‌بیگی، محمد. (۱۴۰۰). به اجاق‌ت قسم. تهران. همارا.
- پارسایی، طیب. (۱۳۹۰). مقایسه عملکرد دانشسرای عشایری با مراکز تربیت معلم در ابعاد گزینش، تربیت و استخدام معلم برای دبستانهای عشایری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- تورانی، حیدر و عارف‌نژاد، سعید. (۱۳۹۶). بررسی موانع و شیوه‌های جذب کودکان بازمانده از تحصیل در مناطق روستایی و عشایری. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۳ (۴)، ۴۸-۳۱.
- Dor: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.2.1
- حاجی تبار فیروزجایی، محسن؛ جام‌گوهری، صمد و میرعرب رضی، رضا. (۱۳۹۹). امکان‌سنجی بومی‌سازی و موقعیتی‌سازی برنامه‌درسی در مدارس ابتدایی. مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۹ (۴)، ۹۰-۶۵.
- Dor: 20.1001.1.2423494.1399.9.4.3.7
- حسینی، محمود. (۱۳۹۹). روایت یک معلم از شکاف آموزشی و ترک تحصیل بین دانش‌آموزان عشایری. خبرگزاری تسنیم، ۲۸ آذر ۱۳۹۹.
- حیدرزادگان، علیرضا و صندوقداران، محمدحسین. (۱۳۹۶). فرصت‌های آموزشی دانش‌آموزان عشایر استان سیستان و بلوچستان: (برابر یا نابرابر). مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۶ (۱۱)، ۱۷۵-۱۵۹.
- Dor: 10.22080/eps.2017.1725
- خوشکام، ابراهیم. (۱۳۹۸). تحلیل وضعیت فرصت‌های آموزشی براساس اسناد بالادستی در عشایر شهرستان کهنوج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، (سند مشهد مقدس). تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۱). برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مصوبه اسفند ۱۳۹۱. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- رحیمی پردنجانی، یعقوب. (۱۴۰۰). نقد و تحلیل سند برنامه‌درسی ملی بر مبنای انطباق با نیازهای آموزشی دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و دوره اول ابتدایی عشایر با تأکید بر رویکرد دانش بومی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۸ (۷۱)، ۱۸۱-۱۹۶.
- رحیمی پردنجانی، یعقوب؛ شفیعی سروستانی، مریم؛ جهانی، جعفر و محمدی، مهدی. (۱۳۹۹). واکاوی شایستگی‌های معلمان عشایر کوچنده: مطالعه پدیدارشناسانه. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۷ (۶۶)، ۶۱-۳۹.
- DOI: 10.30486/jsre.2020.1901137.1655
- زوران حسینی، صفورا. (۱۳۹۴). مدارس سبز و مدارس طبیعت، رویکردی نو به آموزش. مجله رشد آموزش ابتدایی، ۶، ۳۶-۳۷.

سیف، علی اکبر. (۱۳۸۹). روان‌شناسی پرورشی نوین (روان‌شناسی یادگیری و آموزش). تهران: نشر دوران.

سیفی، محمدرضا. (۱۳۹۹). چرا اساسنامه مدارس عشایری بعد از ۶ سال اجرا نشده است؟ خبرگزاری فارس، ۱۳۹۹/۴/۲۰.

شمس‌الدینی، فاطمه. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی برنامه بخوانیم و بنویسیم مدارس ابتدایی عشایری استان کرمان براساس الگوی ۹ گانه فرانسیس کلاین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

صاحبزاده، بهروز؛ جلیلی، منصوره و علی‌صوفی، الله‌نظر. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر استفاده از امکانات محیطی به‌عنوان رسانه آموزشی در یادگیری پایدار و رغبت به تحصیل دانش‌آموزان و رضایت شغلی معلمان. دومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، دانشگاه تربیت حیدریه.

صادقی، علیرضا و نجفی، حسن. (۱۳۹۶). تدوین راهبردهای برنامه درسی چندفرهنگی تربیت‌معلم ایران براساس تجارب کشورهای استرالیا، کانادا، مالزی و هندوستان. پژوهش در تربیت معلم، ۱ (۱)، ۱۲۷-۱۴۶.

Dor: 20.1001.1.26457725.1396.1.1.6.3

صافی، احمد. (۱۳۸۴). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه. تهران: سمت.

ضوابط و مقررات تأسیس مدارس عشایری. (۱۳۹۹). سی و هفتمین جلسه کمیسیون معین شورای عالی آموزش و پرورش.

عباسی سروک، لطف‌الله. (۱۳۸۸). تاریخ و فعالیتهای آموزش و پرورش عشایر ایران. تهران: مهرآه عصر.

عبدلی، مصطفی. (۱۳۹۱). چالش کوچ عشایر و مدارس عشایر. دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه‌درسی، ۵ (۵)، ۲۲-۵.

عسکریان، مصطفی. (۱۳۸۵). جایگاه فرهنگهای قومی در تربیت شهروند. نوآوری‌های آموزشی، ۵ (۳)، ۱۳۳-۱۶۲.

عطاران، محمد و عبدلی، مصطفی. (۱۳۹۱). فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ‌رو: روایت‌های یک معلم. مطالعات برنامه درسی ایران، ۷ (۲۵)، ۴۵-۶۴.

فتحی‌آذر، اسکندر. (۱۳۹۱). روش‌ها و فنون تدریس. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.

فتحی‌واجارگاه، کورش. (۱۳۹۲). برنامه درسی چیست؟ تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.

فرمهبینی‌فراهانی، محسن؛ مدنی، سیدهادی و عظیمی آقبلاغ، احد. (۱۴۰۱). تحلیل پدیدارشناسانه تجارب زیسته آموزگاران از چالش‌های آموزش در مدارس ابتدایی عشایری. چشم‌انداز برنامه درسی و آموزش، ۱ (۲)، ۳۳-۵۰.

محمودی، فیروز؛ عظیمی آقبلاغ، احد و مدنی، سیدهادی. (۱۳۹۹). مطالعه ویژگیهای عناصر برنامه درسی در مدارس دوره ابتدایی عشایری. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۷ (۳۸)، ۳۱-۴۸.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۹). خلاصه نتایج ثبت پایه جمعیت عشایر کوچنده کشور.

موسایی‌گل، داراب. (۱۳۹۶). فرهنگ معلمی در مدارس عشایری کوچ‌رو: مطالعه‌ای مردم‌نگارانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.

مهرمحمدی، محمود و همکاران. (۱۳۹۱). برنامه درسی: نظرگاهها، رویکردها و چشم‌اندازها. تهران: سمت، مرکز مطالعه و توسعه علوم انسانی.

میرشمشیری، مرجان. (۱۳۹۹). توصیف ویژگیهای برنامه درسی عشایر در ایران همراه با سیر تحول، چالشها و چشم‌اندازها. دانشنامه ایرانی برنامه درسی.

وئوقی، منصور و حبیبی، سونا. (۱۳۹۳). دانش بومی؛ گامی به‌سوی بومی‌سازی توسعه روستایی و توانمندسازی روستاییان. مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، ۲ (۴)، ۹-۲۶.

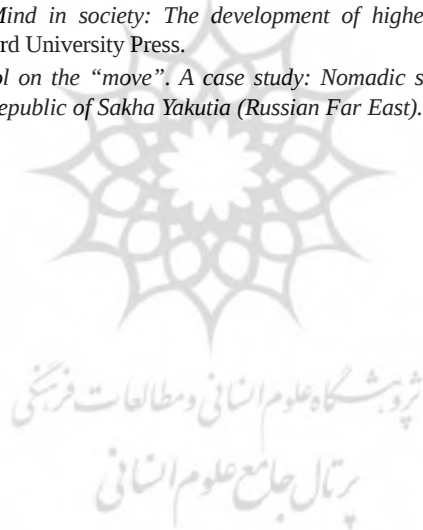
هواسی‌زاد، مریم. (۱۳۹۷). فرهنگ آموزش در عشایر کوچ‌رو: تجارب زیسته معلمان عشایری از تدریس و دلالت‌های آن برای طراحی برنامه درسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

Ali, A. I. (2019). Challenges of nomadic pastoralists in availing primary education to their children, focusing on Hawd Region of Somaliland. *American Research Journal of Humanities & Social Science*, 2(2), 28-47.

Brossard, M. (2021). *Education sector analysis methodological guidelines Volume 3*. Innocenti Research Report, UNICEF Office of Research - Innocenti, Florence.

Kiminza, O. M. A., Ogula, P., & Getui, M. (2021). Organisation of teaching and learning environment

- to attract, retain and improve performance of children enrolled in the LCBPs in Kajiado county, Kenya. *African Journal of Emerging Issues*, 3(4), 176-197.
- Potts, D. T. (2014) *Nomadism in Iran: From antiquity to the modern era*. Oxford University Press.
- Raymond, A. (2021). Girls' participation in formal education: A case of Maasai pastoralists in Tanzania. *Educational Research for Policy and Practice*, 20(1), 165-185.
DOI:10.1007/s10671-020-09273-7
- Rose, R., & Malkani, R. (2021). Policies and practices that foster education for all: Implications for Economically poor nations. In U. Sharma, & S. J. Salend (Eds.), *Oxford encyclopedia of inclusive and special education* (pp. 1127-1141). Oxford University Press.
- Shagari M. H., Bello, H. Y., & Umar, S. (2013). The role of nomadic education in developing nomadic community. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 2(6), 17-21.
DOI:10.5901/ajis.2013.v2n6p17
- Ugochukwu, I. F. (2020). Impact of interactive radio instruction (IRI) in achieving literacy and life skills among primary one nomadic pupils in North-West, Nigeria. *American Research Journal of Humanities and Social Sciences*, 8(1), 163-173. DOI: 10.21694/2378-7031.22023
- UNESCO. (2018). *Global Education Monitoring Report 2019: Migration, displacement and education: Building bridges, not walls*. Paris: UNESCO. <https://doi.org/10.54676/XDZD4287>
- Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society: The development of higher psychological processes*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Zhirikova, S. (2006). *School on the "move". A case study: Nomadic schooling of the indigenous Evenk children in the Republic of Sakha Yakutia (Russian Far East)*. Master's thesis. University of Tromsø.



Nomadic Elementary Schools' Curriculum: Threats and Opportunities

A. Azimi Aaghbolaagh¹ • D. Tahmaasebzaadeh Sheikhlaar, Ph.D.^{2*} • F. Mahmoodi, Ph.D.² • K. Taghipoor, Ph.D.³

Abstract

To identify the threats and opportunities related to the elementary school curriculum among the nomadic tribes 20 articles, theses, and documents directly related to the topic were content analyzed and the collected data were validated through re-examinations by both observers and participants. The findings indicate that both the nomadic culture and schooling in nomadic communities are threats, while nomadic ecology and legal requirements are opportunities. Given these findings strategies for converting the threats into opportunities are introduced in order to help with the achieving of educational justice in a rather distant future.

Keywords: Curriculum, qualitative content analysis, threats, opportunities, nomadic elementary schools

Date Received: Jan. 7, 2023

Date Accepted: March 7, 2023

This paper is derived from the first author's Doctoral Dissertation.

1. Doctoral Graduate in Curriculum Planning, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
2. Professor, Department of Education, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran. (Corresponding Author).
E-mail: d.tahmaseb@tabrizu.ac.ir
2. Professor, Department of Education, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
3. Associate Professor, Department of Education, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.